



دستاوردهای دیپلوماتیک امارت اسلامی افغانستان در سیاست خارجی متوازن

کاکه تاجیک (محمدي)*

چکیده

در عرصه بین‌المللی کشورها با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌های ناشی از نوع نظام بین‌الملل، به اتخاذ رویکردی متناسب با منافع ملی خود اتخاذ می‌کنند. «سیاست خارجی متوازن» که امارت اسلامی اتخاذ نموده، رویکردی است که جدیداً در عرصه سیاست خارجی به کار برده می‌شود و تاکنون تعریف مشخصی از آن نشده است، هرچند به سیاست خارجی بی‌طرفی و انزواگرایانه مشابهت‌هایی دارد اما از آن متمایز است. در این راستا پرسش اصلی این است که سیاست خارجی متوازن امارت اسلامی افغانستان در عرصه دیپلوماتیک چه دستاوردهایی داشته است؟ برای پاسخ از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد باوجود عدم شناسایی دوزوره در عرصه بین‌المللی، سیاست خارجی متوازن دستاوردهایی مانند جذب کمک‌های بشردوستانه، موفقیت در دیپلوماسی دوجانبه و دیپلوماسی چندجانبه را در پی داشته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی متوازن، افغانستان، دیپلوماسی چندجانبه، دیپلوماسی دوجانبه.

* محقق مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه

مقدمه

هر کشوری باتوجه به ماهیت منافع ملی خود برای تعامل با جامعه جهانی و ارتباط با کشورهای دیگر تلاش می‌کند. کشورها باتوجه به محیط داخلی، اقتضانات بین‌المللی و شرایط حاکم بر جهان، رویکرد سیاست خارجی واقع بینانه را اتخاذ می‌کنند. این اعلام موضع و جهت‌گیری در عرصه روابط بین‌الملل بیشتر به اتخاذ رویکردهایی مانند بی‌طرفی، عدم تعهد، وابستگی، انزوایطلبی است.

علاوه بر اتخاذ استراتژی‌های فوق، برخی از کشورها برای حفظ توازن و کسب حداکثر امتیاز در روابط با کشورهای دیگر تلاش می‌کنند تا سیاست خارجی متوازن را که با سیاست خارجی بی‌طرفی تفاوت دارد اتخاذ نمایند. اتخاذ سیاست خارجی متوازن باعث خواهد شد تا زمینه تعامل با تمام واحدهای سیاسی فراهم شود که این خود باعث تعامل و ارتباط بیشتر و همچنین ورود میزان بالایی از سرمایه به کشور اتخاذکننده این رویکرد خواهد شد که برای توسعه و رشد به‌خصوص در عرصه اقتصادی مؤثر است.

با روی کار آمدن حکومت امارت اسلامی در افغانستان، سیاست خارجی کشور مبنی بر اصل توازن، اصل عدم‌مداخله در امور دیگر کشورها و ایجاد روابط نیک و حسنه با سایر دولت‌های جهان می‌باشد. با مطالعه و تحقیق پیرامون دستاوردهایی که امارت اسلامی افغانستان در زمینه دیپلوماتیک با اتخاذ سیاست خارجی متوازن داشته است، می‌توان به تعامل افغانستان با کشورهای مختلف از جمله امریکا، روسیه، چین، هند، پاکستان، ایران، ترکیه با وجود رقابت بین آن‌ها اشاره نمود که در بسیاری از موارد دیپلوماتان امارت اسلامی افغانستان به این کشورها عازم شده است که این خود باعث شده است تا شهروندان افغانستان در خارج از کشور به تمامی امکانات قونسل‌ی بدون وقفه دسترسی داشته باشند. هم‌چنین افغانستان توانسته است با اتخاذ این سیاست کمک‌های

بشردوستانه بی‌شماری را به دست آورد و در عرصه دیپلوماسی چندجانبه بسیاری از کشورها از نشست‌هایی با محوریت افغانستان میزبانی نمایند.

با بررسی دستاورد‌های دیپلماتیک سیاست خارجی متوازن امارت اسلامی افغانستان، به کاستی و خلاءهایی که در روابط بین افغانستان با کشورهای همسایه و جامعه جهانی داشته پی می‌بریم و برای رفع این خلاءها اقدام نماییم. هم‌چنین می‌توان نشان داد که چه‌گونه می‌توان باعث گسترش روابط هرچند غیررسمی و بدون رسمیت شناختن امارت اسلامی افغانستان با جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی شویم.

پرسشی اصلی پژوهش حاضر این است که امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن در عرصه دیپلماتیک چه دستاورد‌هایی داشته است؟ برای پاسخ به این سوال، تلاش می‌شود با استفاده از منابع دست‌اول مانند سخنرانی رهبران امارت اسلامی، گزارش‌هایی که از ریاست‌های مختلف در وزارت امورخارجه امارت اسلامی وجود داشته است و هم‌چنین سایر منابع، ابتدا نگاهی گذرا به سیاست خارجی افغانستان در صد سال اخیر داشته باشیم و ضمن تعریف سیاست خارجی متوازن، دستاورد‌هایی را که حکومت امارت اسلامی افغانستان با روی کارآمدن با وجود چالش‌های فراوان داشته، مورد بررسی قرار دهیم.

۱. سیاست خارجی متوازن

در ادبیات روابط بین‌الملل تعریف مشخصی و واضح از سیاست خارجی متوازن وجود ندارد. با این‌وجود با توجه به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها و ویژگی‌هایی که برای «سیاست خارجی متوازن» تعریف شده، این استراتژی شاخص‌هایی از استراتژی بی‌طرفی و انزواگرایی و اتحاد و ائتلاف را در خود دارد.

اولویت سیاست خارجی متوازن توسعه متوازن کشور اتخاذکننده است. در این راستا از بحران‌زایی و مداخله در بحران‌ها و چالش‌های موجود خودداری می‌کند و سطح تعامل با کشورها، به ضرورت ناشی از منافع ملی کشور اتخاذکننده بستگی دارد. این شاخص‌ها بین سیاست خارجی متوازن و انزوگرایی مشترک است.

جیمز مونروئه در سال ۱۸۲۳ برای حل مشکلات داخلی آمریکا سیاست خارجی انزوگرایی را اتخاذ نمود. در این راستا روابط خارجی آمریکا را به حداقل کاهش داد؛ از کانون‌های قدرت دوری جست؛ در تعارضات بین‌المللی درگیر نشد؛ تلاش نمود تا مانع از مداخله قدرت‌های اروپایی در امور داخلی آمریکا شود؛ عدم عضویت در نهادهای بین‌المللی و در نهایت مخالفت با سیاست‌های استعماری را برگزید (William & Robert, 2004: 13-21).

از طرف دیگر، عدم عضویت در نهادهای امنیتی منطقه‌ای و جهانی، عدم اتخاذ سیاست‌های امنیت‌محور و نظامی و... سیاست خارجی متوازن را با بی‌طرفی که شاخص‌هایی مانند روابط نیک با همسایگان، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگران، علاقه‌مندی به درک متقابل، عدم حضور در ائتلاف‌های نظامی و... دارد، پیوند می‌دهد (Rahmanov, 2022: 137).

از لابلای مباحثی که در مورد سیاست خارجی متوازن شده است می‌توان دریافت که بیشتر تمرکز به پیامدهایی که اتخاذ این سیاست برای کشور دارد اشاره نمود. بنابراین، در مورد افغانستان نیز این مسأله صادق می‌باشد. یعنی در بیانات رهبران و مقامات امارت اسلامی افغانستان بیشتر بر پیامدها تمرکز شده است.

معین سیاسی وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان، شیرمحمد عباس ستانکزی در مورد سیاست خارجی متوازن در مصاحبه‌ای معتقد است: «با بررسی سیاست خارجی

افغانستان در طول قرن بیستم مشاهده می‌شود که توازن در سیاست خارجی وجود نداشته است که این خود باعث جنگ و بحران در افغانستان شده است و خشونت در کشور بازتولید شده است. در این دوران برخی از حکومت‌ها به طرف شرق گراییده و در آن هضم شده‌اند و توافق‌نامه‌هایی را با بلوک شرق امضا کرده‌اند؛ بنابراین در سیاست خارجی تابع شرق بوده‌ایم. و از طرف دیگر برخی از حاکمان به طرف غرب گراییده و سیاست خارجی کشور بخشی از سیاست خارجی غربی‌ها تعریف شده است. حال وقتی سیاست خارجی متوازن مطرح می‌شود منظور تلاش برای تحقق منافع ملی کشور از طریق ایجاد روابط دوستانه و همکاری جویانه با تمام کشورهای جهان می‌باشد و نباید در کشور زمینه حضور و دخالت قدرت‌های خارجی فراهم شود. زیرا این امر باعث تحریک و حساسیت سایر کشورها شده و کشور تبدیل به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود» (ستانکزی، ۱۴۰۱: ۱۶۴-۱۶۵).

هم‌چنین رحمت‌الحق فضیل معین مالی-اداری وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان در مصاحبه‌ای چنین بیان می‌کنند: «تجربه نشان می‌دهد که کشورهایی که به دنبال توسعه داخلی هستند نباید در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی دخالت کنند. که بر همین مبنا امارت اسلامی سیاست خارجی متوازن را برگزیده است که درای پیامدهایی مانند مانع ایجاد دشمن در تعاملات خارجی می‌شود؛ فرصت‌های اقتصادی و امنیتی را برای توسعه فراهم می‌نماید؛ مانع تبدیل شدن کشور به میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود و در نهایت باعث تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها می‌شود» (فضیل، ۱۴۰۱: ۱۷۸).

برخی از کارشناسان روابط بین‌الملل معتقدند: اقتصاد و سیاست دو رکن مهم و اساسی در ترقی و پیشرفت کشورها محسوب می‌شود که این امر با داشتن یک رابطه و

سیاست متوازن در قبال سایر کشورهای همسایه، منطقه، مسلمان و جهان امکان‌پذیر خواهد بود و با داشتن و اتخاذ سیاست خارجی متوازن در قبال سایر ممالک رشد اقتصادی در کشور میسر می‌شود. هم‌چنین اتخاذ سیاست خارجی متوازن باعث بهبود و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی کشور می‌شود (بینا، ۱۴۰۱: farsnews.ir/my/c/16)

باتوجه به مباحث مطرح شده در بالا می‌توان گفت هرچند از سیاست خارجی متوازن تعریف واحد و منسجم ارائه نشده، اما با توجه به شاخص‌ها و ویژگی‌ها و پیامدهای آن، می‌توان برای آن شاخص‌هایی مانند دوری از رقابت بین کشورها به‌خصوص قدرت‌های بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، روابط خوب با همسایگان، سیاست مثبت و فعال در تعاملات بین‌المللی، روابط با بازیگران مختلف منطقی و بین‌المللی با در نظر داشت منافع کشور را بر شمرد. هم‌چنین باید گفت سیاست خارجی متوازن با شرایط هر کشور متفاوت تعریف می‌شود.

۲. سیاست خارجی افغانستان در یک‌صد سال اخیر

افغانستان کشوری است که دارای موقعیت جیوپولیتیک خاص است. این کشور چهارراه منطقه‌ای است که کشورهای آسیای میانه در شمال را به کشورهای جنوب و شرق آسیا را به غرب خود متصل می‌سازد. در یک کلام افغانستان پل ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب است. در این کشور جهان‌گشایان زیادی آمده‌اند و از طریق افغانستان تلاش کردند که بتوانند سیاست‌های خود را در منطقه و جهان اعمال نمایند. پس باتوجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط بین‌المللی در هر دوره، سیاست خارجی مناسب با هر دوره را باید اتخاذ نمود. بنابراین برای شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های سیاست خارجی و رفع آن باید به مطالعه سیاست‌های خارجی اتخاذ شده در دوره‌های قبل پرداخت تا کاستی‌های آن شناسایی شده و سیاست خارجی موفق‌تری را اتخاذ نماییم. در اینجا سعی

می‌کنیم مروری به استراتژی‌های اتخاذ شده در سیاست خارجی افغانستان در صد سال اخیر داشته باشیم.

از عمر ایجاد دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی در افغانستان حدود یک صد سال می‌گذرد. در این مدت در افغانستان حکومت‌های مختلفی روی کار آمدن و هریک به اتخاذ سیاست خارجی مطابق با منافع ملی افغانستان پرداخته‌اند.

از زمان امان‌الله خان که افغانستان استقلال خود را به دست آورده تا امروز، بیش از یک صد سال می‌گذرد. در این دوران هر حکومتی که در افغانستان قدرت را به دست گرفته است مطابق با منافع ملی و محیط داخلی افغانستان به عنوان یک کشور مسلمان با اتخاذ استراتژی مشخصی در قبال کشورهای دیگر با آن ارتباط برقرار نموده است.

در دوران امان‌الله خان افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی مستقل، تلاش نمود با همه کشورها روابط برقرار نماید. از جمله با قدرت‌های بزرگی چون بریتانیای کبیر، امریکا و شوروی. البته در این دوران روابط با امریکا برقرار نشد، اما اتخاذ سیاست خارجی مستقل در برابر انگلیس باعث استقلال کشور گردید.

در دوران حکومت امیر حبیب‌الله کلکانی سیاست خارجی در کشور عملاً وجود نداشت و حکومت را هیچ کشوری به رسمیت نشناخت. محمدنادر شاه پس از ایجاد حکومت، کوشش نمود تا توازن را در سیاست خارجی خود برگزیند. نادرشاه کوشید تا سیاست بی‌طرفی و توازن را در سیاست خارجی به خصوص در تعامل با قدرت‌های بزرگ وقت - شوروی و بریتانیا - حفظ نماید که با توجه به عدم علاقه‌مندی این کشورها به مداخله در افغانستان این سیاست موفق بود.

در دوران محمدظاهر شاه، سیاست خارجی کشور همانند دوره قبل براساس سیاست خارجی بی‌طرفی و توازن بود و در این دوران علاوه بر حفظ احتیاط در روابط بین

افغانستان با کشورهای شوروی و بریتانیا، روابط نزدیکی با کشورهای ایران و ترکیه نیز برقرار شد. در این دوران افغانستان عضو جامعه ملل شد و توانست از حالت انزوا خارج شده و بسیاری از پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به امضاء برساند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روابط افغانستان با امریکا به عنوان فاتح جنگ برقرار شد. هم‌چنین پس از خروج بریتانیا و ایجاد هند و پاکستان تلاش صورت گرفت تا روابط بین افغانستان و این کشورها برقرار شود. البته در این دوران به علت ترس از اتخاذ سیاست خارجی که چالش‌زا باشد افغانستان از شرکت در پیمان‌ها خودداری نمود.

در عصر صدرات محمد داوود خان، به دلیل حمایت امریکا از پاکستان در منازعه دیورند، افغانستان به طرف شوروی گراییده و روابط با پاکستان نیز به خصومت گرایید. اما در دهه دموکراسی سیاست خارجی افغانستان به جایگاه اصلی خود یا همان بی‌طرفی و توازن بازگشت. با کودتای داوود خان سیاست خارجی افغانستان بی‌طرفی اعلام شد، اما در سال ۱۹۷۵ میلادی داوودخان به سوی امریکا در سیاست خارجی متمایل شد. در دوران تره‌کی سیاست خارجی افغانستان بر محور همکاری‌های بین‌المللی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و عدم انسلاک قرار گرفت. پس از دوران حزب دموکراتیک خلق افغانستان وارد جنگ‌های داخلی شده و عملاً سیاست خارجی وجود نداشت.

هرچند از آغاز قرن بیست و یکم میلادی سیاست خارجی افغانستان براساس استقلال، منافع ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله و حسن هم‌جواری و احترام متقابل و حقوق برابر (انصاری، ۱۳۹۸: صص ۱۳۹-۱۵۶) تعریف شد، اما در این دوران با توجه به حمایت جامعه جهانی به رهبری امریکا سیاست خارجی افغانستان عملاً زیر سایه امریکا و خواسته‌های این کشور بوده است.

با مطالعه سیاست خارجی افغانستان در یک صد سال اخیر متوجه می‌شویم با وجود این که افغانستان سیاست خارجی را بی طرفی یا توازن اعلام می‌کرد، اما در عمل موفق به تحقق سیاست خارجی متوازن و بی طرف نشده و در هر دوره با توجه به اقتضائات بین‌المللی و الزاماتی که وجود داشته است، به سوی یکی از بلوک‌های قدرت جهانی تمایل یافته و هر نوع ناسازگاری با منافع ابرقدرت‌ها عواقب خطرناکی مانند سقوط نظام را در پی داشته است.

با معرفی کابینه امارت اسلامی افغانستان بدون حمایت هیچ قدرت جهانی و با اعلام سیاست خارجی متوازن، دستگاه دیپلماتی کشور به صورت عملی سیاست خارجی متوازن را محقق نموده و این خود باعث توازن و ارتباط حسنه در روابط بین افغانستان و قدرت‌های بزرگ جهانی، منطقه‌ای، کشورهای همسایه و اسلامی در افغانستان شود. در کل شاخص‌های این رویکرد در سیاست خارجی را به صورت زیر می‌توان نام برد:

۱. اولویت امنیت سراسری در داخل کشور؛
۲. عدم استفاده از خاک افغانستان بر علیه سایر کشورها؛
۳. روابط و تعامل مثبت با همه کشورها؛
۴. همکاری با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در راستای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی (شیخ‌الحدیث هبت‌الله آخندزاده، الف ۱۴۰۱: ۳)؛
۵. بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه‌ای برای توسعه افغانستان و منطقه؛
۶. استفاده از ظرفیت جیوپولیتیکی افغانستان برای اتصال طرح‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی (شیخ‌الحدیث هبت‌الله آخندزاده، ب ۱۴۰۱: ۳).

۳. دستاوردهای دیپلماتیک ۱.۱. افغانستان

یکی از مشخصات سیاست خارجی موفق، توازن و تعادل در روابط با تمام کشورها

است. هم‌چنین برای این‌که کشوری بتواند به اهداف و منافع ملی‌اش دست یافته و پیشرفت نماید باید با سایر کشورها و کنش‌گران بین‌المللی ارتباط داشته و سیاستی متعادل و متوازن اتخاذ نماید. با روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان، این کشور تلاش نموده تا با کشورها و نهادهای بین‌المللی در تعامل بوده و سیاست خارجی متوازن را اتخاذ نماید؛ با این وجود امارت اسلامی افغانستان تاکنون به رسمیت شناخته نشده است، اما دستگاه سیاست خارجی امارت اسلامی با اتخاذ سیاست خارجی متوازن به موفقیت‌هایی دست پیدا کرده است که در این‌جا تلاش می‌شود برخی از دستاوردهای دیپلماتیک امارت اسلامی افغانستان را برشمرده و هرکدام را تشریح نماییم:

۳-۱. موفقیت در دیپلماسی دوجانبه

امارت اسلامی افغانستان با وجود موانع و چالش‌هایی که در عرصه حکومت‌داری به‌ویژه سیاست خارجی داشته است در عرصه روابط و تعامل دوجانبه با کشورهای منطقه و جامعه جهانی موفق عمل کرده است. به‌گونه‌ای که در روابط با کشورهای که با هم رقابت دارند با یک‌دیگر داشته است، امارت اسلامی با حفظ توازن و تعادل با هر دو طرف ارتباط و تعامل دیپلماتیک برقرار نموده است، که این خود یکی از دستاوردهای دیپلماتیک امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست خارجی متوازن می‌باشد. به‌گونه مثال می‌توان دیپلماسی موفق دوجانبه امارت اسلامی در تعامل بین ایالات متحده آمریکا و روسیه به‌عنوان دو رقیب و هم‌چنین رقابت بین کشورهای مانند هند و پاکستان، ایران و عربستان، چین و هند و سایر کشورهای رقیب را می‌توان نام برد. در این‌جا نگاهی به برخی از رقابت‌ها با یک‌دیگر و تعامل امارت اسلامی با هر دو طرف با اتخاذ سیاست خارجی متوازن می‌پردازیم:

۱-۱-۳. تعامل با ایالات متحده و روسیه

روابط بین ایالات متحده و روسیه از موضوعات مهم در روابط بین الملل است. روابط بین این دو قدرت بزرگ کشورهای دیگر به خصوص افغانستان را تحت تأثیر قرار می دهد. ایالات متحده و روسیه به عنوان دو قدرت بزرگ جهانی هرچند به نظر بعد از جنگ سرد خالی از تنش بوده، اما در واقعیت این دو کشور از دیرزمان به دین سو با یکدیگر رقابت و تعارض دارند. رقابت این دو کشور پس از سال ۲۰۰۸ میلادی شکل جدی تری به خود گرفته است.

از زمان جنگ جهانی دوم به بعد ایالات متحده و روسیه به دلیل مجموعه‌ای از اقدامات، رفتارها و مداخله در امور جهانی دو قدرت رقیب یکدیگر شدند. سیاست خارجی روسیه در دوران گورباچف، نگاه قدرت محور و ایدئولوژیک به ایالات متحده را دگرگون ساخت (کرمی، ۱۳۹۰: ۷۶).

روسیه پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی خود را میراث دار شوروی دانسته و به دنبال احیای امپراطوری شرق بود. اما ایالات متحده به خاطر برتری به شوروی سابق حق خود می دانست تا بر جهان به تنهایی سیطره داشته و به عنوان تنها هژمون جهان شناخته شود (عسکری، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

روابط بین دو کشور پس از جنگ سرد بهبود یافت، البته کدورت‌هایی بر سر کوزوو بین دو کشور بود که به مشکل جدی در روابط دو کشور منجر نشد. این تعاملات با روی کار آمدن پوتین و بوش با مشکلات بیشتری مواجه شد. اما پس از ۱۱ سپتامبر روابط بین دو کشور دوباره بهبود یافت (کرمی، ۱۳۹۰: ۷۹).

هرچند پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ همکاری ایالات متحده و روسیه افزایش پیدا کرد و پیمان مسکو یا «سورت» بین دو کشور امضا شد و مبادلات تجاری بین دو کشور

گسترش یافت، اما در سال ۲۰۰۳ به دنبال حمله ایالات متحده به عراق و نادیده گرفتن پیمان کیوتو از سوی این کشور، روابط بین دو کشور پرتنش شد. در ادامه ایالات متحده از انقلاب‌های رنگین در حیات خلوت روسیه - اروپای شرقی و آسیای میانه - حمایت کرد. به علاوه، مذاکرات بر استقرار سپر دفاع موشکی ایالات متحده در اروپای شرقی و سخنرانی آتشین پوتین در اجلاس امنیتی مونیخ، رقابت با ایالات متحده بر سر قطب شمال، شروع به کار ناوگان هواپیمابری روسیه باعث جنگ اوستیا در سال ۲۰۰۸ میلادی شده و روابط بین دو کشور را تیره ساخت. البته ارتقای جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل باعث تنش در روابط بین دو کشور شده است (عطایی و تفتیان، ۱۳۹۳: ۲۹۳).

یکی از حوزه‌های رقابت و همکاری بین ایالات متحده و روسیه، افغانستان است. دامنه رقابت بین دو کشور به زمان حضور شوروی به افغانستان و الزمات ناشی از نظام بین‌الملل باز می‌گردد. اما پس از سال ۲۰۰۱ و حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان، دو کشور با هم ابتدا همکاری نمودند و سپس رقابت و تنش در روابط بین دو کشور پدید آمد.

ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ میلادی با حمله نیروهای شوروی به افغانستان، از جریان‌های جهادی افغانستان حمایت مالی و نظامی کرد و زمینه خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان را فراهم کرد. متقابلاً پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و حضور آمریکا در افغانستان، روسیه ضمن حمایت از این حمله با واگذاری پایگاه‌های نظامی به آمریکا در آسیای میانه موافقت کرد، اما پس از مدتی و عدم دستیابی واشنگتن به اهداف اعلامی‌اش، روس‌ها اعلام کردند رویکرد نظامی آمریکا در افغانستان نتیجه نداشته است. نارضایتی روسیه پس از پیمان امنیتی کابل - واشنگتن بیشتر شد، زیرا روسیه حضور دائمی و نیرومند نیروهای ناتو و آمریکا در افغانستان را زنگ خطری در مرزهای خود می‌دید (محمودی، ۱۳۹۷: ۱۳۹۷/1343). در نتیجه، رقابت دو کشور

در افغانستان دوباره آغاز و تحولات کشور تحت تأثیر آن قرار گرفت. با اتخاذ سیاست خارجی متوازن از سوی امارت اسلامی، افغانستان به تعامل سازنده ایالات متحده ادامه داده و ملاقات های متعدد با نماینده این کشور داشته است. به طور مثال دیدار های متعدد در دوحه بین نمایندگان امارت اسلامی افغانستان و نمایندگان ایالات متحده صورت گرفته است. از طرفی افغانستان تعاملات همه جانبه افغانستان با روسیه نیز چشم گیر است. هر چند روسیه در تلاش است تا فضای خالی عدم حضور نیرو های امریکایی در افغانستان را به نفع خویش متحول کند، اما سیاست خارجی متوازن باعث شده است که افغانستان با هر دو طرف وارد تعامل شده و موازنه در روابط را حفظ نماید. هم چنین روسیه نماینده افغانستان را به عنوان سرپرست سفارت افغانستان در مسکو پذیرفته و در این کشور نمایندگان امارت اسلامی برای حفظ منافع افغانستان و ارائه خدمات به شهروندان کشور فعالیت می کنند.

۲-۱-۳. تعامل با هند و پاکستان

هند و پاکستان به عنوان دو قدرت منطقه ای که در همسایگی افغانستان حضور دارند. این دو کشور از همان ابتدای تشکیل کشور پاکستان با یک دیگر رقابت داشته اند. مهم ترین مسائل رقابت بین دو کشور عوامل سیاسی، اقتصادی، هسته ای، اختلاف بر سر کشمیر و غیره است. این دو کشور همواره تلاش کرده اند تا از افغانستان به عنوان میدان رقابت نیابتی خود استفاده کنند.

یکی از موضوعات مهم منطقه، رقابت بین هند و پاکستان و رقابت های جیوپلیتیکی، هویتی و مذهبی مرتبط با آن است. هند در سال ۲۰۱۹ میلادی امتیاز خودگردانی جامو و کشمیر را لغو و در این منطقه حضور نظامی پیدا کرد. قبل از این جامو و کشمیر در روابط

خارجی و برخی خدمات اجتماعی پیرو حکومت هند بود، اما پرچم مستقل و قانون اساسی خودش را داشت. اما دولت پاکستان این اقدام هند را خلاف قطعنامه سازمان ملل متحد دانسته و خواستار لغو آن شد. با گسترش اعتراضات مردمی، روابط بین دو کشور به تنش گرایید طوری که پاکستان از حمایت نظامی از مخالفان دولت هند خبر داده است (مشفق، ۱۳۹۹، ۴۳).

هند و پاکستان از زمان استقلال تاکنون در فضای تنش و خشونت با یکدیگر در ارتباط اند. این دو کشور تلاش دارند تا از طریق نفوذ و تسلط بر منطقه جامو و کشمیر به برتری استراتژی‌های سیاسی - نظامی به برتری و کنترل رودخانه‌های استراتژیک منطقه بپردازند. از این رو هر دو کشور از گروه‌های افراطی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند (کاظمی، ۱۳۹۹، ۸).

از نظر جیوپلیتیک منطقه، یکی از حوزه‌های مهم در رقابت بین هند و پاکستان بعد از جدایی دو کشور، افغانستان است. در زمان حضور نیروهای شوروی در افغانستان سیاست عمق استراتژیک پاکستان تدوین شد. پاکستان تلاش نمود تا افغانستان را در مقابل هند با خود هم‌سو سازد. اما هند تلاش نمود برای مقابله با پاکستان حوزه نفوذ خود را تا آسیای میانه گسترش دهد. در نتیجه این تلاش‌ها باعث جنگ نیابتی دو کشور در افغانستان شد (مشفق، ۱۳۹۹، ۴۶).

با این که حکومت‌های پیشین افغانستان همواره پاکستان را مسبب بی‌ثباتی در افغانستان دانسته و تمایل بیشتری به هند نشان دادند، اما امارت اسلامی افغانستان با اتخاذ سیاست متوازن، با پاکستان روابط دیپلماتیک برقرار نموده و دیپلمات بین هر دو کشور تبادل شده است و هم‌چنین این سیاست باعث شده است که هند یک تیم تخنیکی به افغانستان بفرستد و در سفارت این کشور در افغانستان مشغول به فعالیت شوند. این سیاست

هم چنین باعث شده است تا افغانستان به عنوان میدان جنگ رقابتی بین دو کشور استفاده نشود.

۳-۱-۳. تعامل با ایران و عربستان

ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت منطقه ای شناخته می شوند. مبنای شکل گیری حکومت در هر دو کشور مبتنی بر برداشت خاص از اسلام می باشد. لذا دو کشور بیشتر در حوزه ایدئولوژی با یک دیگر تعارض دارند. ایران به عنوان کشوری که خود را رهبر شیعیان در جهان می داند و عربستان خود را به عنوان رهبر مسلمانان جهان به خصوص اهل تسنن می داند. باتوجه به این که افغانستان جامعه ای است که هم شیعه دارد و هم سنی، مورد توجه هر دو کشور عربستان و ایران بوده و فضای رقابتی بین شان در افغانستان شکل گرفته است.

رقابت بین ایران و عربستان به دو مرحله بر می گردد. رقابت بین دو کشور پیش از وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، که در آن زمان باتوجه به این که هر دو کشور از سوی امریکا حمایت می شدند و در بلوک غرب قرار داشتند، اختلاف بین دو کشور اندک بود. اما این دو کشور در مورد مسائل مرزی، مثل حمایت عربستان از جدایی بحرین، حمایت عربستان از امارات در خصوص جزایر سه گانه، نام خلیج فارس با هم رقابت و اختلاف داشتند. اما پس از انقلاب سال ۵۷ روابط بین دو کشور دارای فراز و نشیب های زیادی شد و به یکی از موضوعات مهم در منطقه تبدیل شد. در این دوره علاوه بر مواردی که قبل از انقلاب بود موارد دیگری مانند انرژی، ایدئولوژی، جیوپولیتیک، رقابت منطقه ای و غیره بر تنش در روابط دو کشور افزود (شفیعی و قنبری، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

بعد از حادثه یازدهم سپتامبر، بین امریکا و اعراب اختلاف به وجود آمد و موقتاً روابط ایران و عربستان بهبود یافت. با روی کار آمدن دولت اصول گرا در ایران روابط دو کشور

به تنش گرایید. که باعث حمایت ایران از جنبش‌های آزادی‌بخش و بهار عربی شد. در مقابل عربستان در بحرین حضور نظامی پیدا کرد. اما با روی کار آمدن دولت اصلاحات در ایران (دولت یازدهم) سیاست نزدیکی با عربستان در پیش گرفته شد اما رقابت دو کشور برای رهبری منطقه و حمله نظامی عربستان به یمن، تعارضات دو کشور شکل ایدئولوژیک به خود گرفت و تنش بین دو کشور افزایش یافت (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۶: ۳).

رقابت بین ایران و عربستان در افغانستان چند لایه و چند بعدی است. اول این که عربستان ادعای رهبری مسلمانان را دارد؛ افغانستان کشوری مسلمان است و با این که بیشتر آن‌ها اهل تسنن و حنفی مذهب هستند، اما شیعیان هم در این کشور حضور دارند؛ دوم، پیوندهای عمیق به خصوص فرهنگی و تمدنی بین افغانستان و ایران وجود دارد. عربستان نمی‌تواند حضور فرهنگی ایران را در افغانستان تحمل کند. بنابراین افغانستان میدان مناسبی برای محدودسازی نفوذ ایران در افغانستان از سوی عربستان پنداشته می‌شود. بنابراین عربستان تلاش می‌کند نفوذ خود در افغانستان حفظ و گسترش دهد و از سوی دیگر مانع نفوذ ایران در افغانستان شود (جعفری ولدانی و جهانبخش، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

ایران و عربستان رقابت ایدئولوژیک به‌ویژه در دهه ۹۰ میلادی و جنگ‌های داخلی در افغانستان داشته‌اند. در آن جنگ ایران از شیعیان حزب وحدت حمایت می‌کرد و عربستان از اتحاد اسلامی. لذا افغانستان به میدان جنگ نیابتی بین دو کشور تبدیل شده بود (ویلد، ۱۳۹۵: <https://avadiplomatic.com/>). این رقابت‌ها از آغاز قرن بیست‌ویکم و با تحولات جدید در افغانستان نیز ادامه یافت. به طور مثال ایجاد لشکر فاطمیون از شیعیان افغانستان توسط ایران و درخواست عربستان برای حمایت از موضع این کشور در یمن در همین رستا بوده است.

امارت اسلامی افغانستان، با اتخاذ سیاست خارجی متوازن توانسته است تعادل در روابط بین این دو کشور حفظ کند. افغانستان با کشور ایران تعامل دیپلماتیک دارد و از آن جایی که مهاجرین زیادی در ایران حضور دارند نمایندگان امارت اسلامی در نمایندگی های افغانستان در کشور ایران مشغول به ارائه خدمات به مردم می باشد. با توجه به سیاست همسایگی دو کشور، دیدارهایی بین مقامات دو کشور به کرات صورت گرفته است. از طرف دیگر، روابط امارت اسلامی افغانستان و عربستان نیز همکاری جویانه بوده و امارت اسلامی افغانستان موفق شده است که به کشور عربستان دیپلمات بفرستد و دیپلماتان افغانستان در آن کشور فعالیت کند. سیاست خارجی متوازن هم چنین باعث شده تا این کشورها رقابت ایدئولوژیکی خود را در افغانستان کنار بگذارند و به عنوان یک کشور مسلمان به افغانستان بنگرند.

۳-۱-۴. تعامل با چین و هند

چین به عنوان همسایه افغانستان و یکی از قدرت های بزرگ که در عرصه اقتصادی و نیز دومین قدرت بزرگ اقتصادی است با کشور هند رقابت دارد. رقابت این دو کشور نه تنها کشورهای منطقه و افغانستان بلکه جهان را نیز متاثر می سازد.

تنش بر روابط بین چین و هند بیشتر بر موضوعات مرزی است. چین بر موضوعاتی مانند طول مرز و خط مک ماهان که مرز را در سال ۱۹۱۴ بین هند و چین تقسیم شد، تاکید دارد. چین هم چنین ادعای مالکیت بر کل ایالات شمال شرقی هند که مرز مشترک بین دو کشور است را دارد. هم چنین چین طرف سوم اختلاف بر سر کشمیر می باشد. علاوه بر موضوع مرز موضوعاتی مانند رودخانه های مرزی، عضویت هند در شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوعات مورد تنش و رقابت بین دو کشور است (روشن و فرجی، ۱۳۹۶: ۲۲۶).

با وجود رقابت بین چین و هند، اتخاذ سیاست خارجی متوازن باعث شده است تا افغانستان علاوه بر این که با کشور چین به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهان رابطه برقرار نموده و این کشور در افغانستان سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده و بیشتر پروژه‌های اقتصادی را سرمایه‌گذاران چینی علاقه‌مند سرمایه‌گذاری شده‌اند، دیپلماتان افغانستان نیز در این کشور مشغول به فعالیت می‌باشند. هم‌چنین امارت اسلامی با کشور هند روابط دیپلماتیک برقرار نموده و یک تیم تخنیکی در سفارت این کشور در کابل مشغول به فعالیت می‌باشند. هم‌چنین امارت اسلامی افغانستان از تمامی کشورها به‌شمول هند خواسته است تا به افغانستان بیایند و در این کشور به‌خصوص در بخش معادن سرمایه‌گذاری کنند.

۳-۲. تلاش برای جذب کمک‌های بشردوستانه

با اتخاذ سیاست خارجی متوازن و تعامل با جامعه بین‌المللی و به‌خصوص تعامل با سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری، امارت اسلامی افغانستان توانسته در وضعیت اضطراری که افغانستان در آن به سر می‌برد، حمایت کشورها و سازمان‌های مختلف را در راستای کمک‌های بشردوستانه به افغانستان به‌خصوص پس از وقوع زلزله در ولایت‌های شمال شرقی افغانستان که به تاریخ ۲۸ جوزای سال ۱۴۰۱ هـ. خ و سیل‌هایی که در افغانستان جاری و خسارت‌های زیادی را به بار آورد، به‌دست آورد. در این راستا کشورهای زیادی به افغانستان هم از نظر مالی و هم از نظر مواد غذایی و البسه به افغانستان و مردم این کشور کمک نمودند. اتحادیه اروپا، امریکا، روسیه، ایران، ترکیه، قطر، پاکستان، امارات متحده عربی، ازبکستان، ترکمنستان، جاپان، قزاقستان و بسیاری از کشورهای دیگر به افغانستان کمک بشردوستانه کرده‌اند.

به‌علاوه سازمان ملل متحد با همکاری کشورهای عضو، برای مواجهه با چالش‌های مالی، لوجیستیکی و برای حمایت از مردم افغانستان که در وضعیت اضطراری قرار داشته و وابسته به کمک‌های بشردوستانه است، تلاش مضاعف نموده است. این سازمان کمک‌های چشم‌گیری در بخش‌های غذا، پوشاک و کمپل، آموزش، مراقبت‌های صحی، حمایت‌های معیشتی برای دهقان‌ها و چوپان‌ها کرد. هم‌چنین این سازمان از کشورهای عضو خواست تا اجازه انتقال سریع و بدون محدودیت کارمندان بشردوستانه را فراهم نموده و اجازه دهند تا وجوه مالی به افغانستان برسد (بینا، ۲۰۲۱: afghanistan).

کشور بریتانیا ۳۷۵ میلیون دالر، قبل از کنفرانسی که برای جلب کمک‌های بشردوستانه با حضور نمایندگان ۴۱ کشور و سازمان بین‌المللی به میزبانی ملل متحد، بریتانیا و قطر برگزار شده بود، کمک نمود. هم‌چنین اتحادیه اروپا ۱۲۸ میلیون دالر کمک وعده نمود، امریکا ۲۰۴ میلیون و قطر ۲۵ میلیون دالر کمک وعده نمودند (بینا، ۱۴۰۱: dw.com/fa). برای حمایت از بخش‌های آموزشی و صحی، کشور جاپان و یونیسف وعده داد که معاش معلمان افغانستان را پرداخت نمایند. هم‌چنین سازمان ملل متحد و سازمان صحت جهانی وعده سپرد که معاش داکتران و کارمندان بخش صحت در افغانستان را پرداخت نمایند. یونسف و کشورهای همکار با این سازمان مصمم شدند برای تمام معلمان مکاتب دولتی به‌منظور اطمینان از مشارکت در یادگیری معاش دو ماهه آن‌ها در افغانستان به مبلغ ۱۰۰ دالر پرداخت نمایند. این کمک‌ها به‌منظور فراهم شدن حمایت‌های اضطراری برای معلمان است (بینا، ۲۰۲۲: afghanistan.un.org/prs/172914).

واشنگتن پست در گزارشی اعلام کرد که قرار است معاش کارمندان بخش صحی در افغانستان از سوی برنامه انکشافی سازمان ملل پرداخت شود. این معاش برای کارمندان شفاخانه و کلینیک‌ها در نظر گرفته شده بود. مقام‌های سازمان ملل ابراز امیدواری کردند

که نهادهای صحنی وابسته به سازمان ملل بتواند معاش کارمندان بخش صحنی افغانستان را در حد توان پرداخت نموده و تداوم فعالیت‌های این بخش را در افغانستان تضمین نمایند (DeYoung, washingtonpost: 2021).

با وجود این که افغانستان تحریم بوده و ایالات متحده امریکا برای سایر کشورها برای کمک به افغانستان محدودیت‌هایی را وضع نموده بود، دیپلوماسی موفق افغانستان باعث مجاب شدن ایالات متحده امریکا شده و وزارت خزانهداری این کشور اعلام نمود که کشورها می‌توانند به افغانستان کمک‌های بشردوستانه ارسال نموده و در این راستا با دولت و ملت افغانستان همکاری کنند.

وزارت خزانهداری ایالات متحده امریکا اعلام کرد که بانک‌های بین‌المللی می‌توانند برای اهداف بشردوستانه بدون ترس از تحریم به افغانستان پول انتقال دهند. هم‌چنین سازمان‌های امداد رسانی می‌توانند بدون توجه به محدودیت‌های ناشی تحریم‌ها علیه امارت اسلامی به معلمان، بخش صحت و سایر اقشار آسیب‌پذیر در افغانستان کمک نموده و معاش آن‌ها را به موقع پرداخت نمایند (Nichols, 2022: reuters.com).

باید یادآور شد بعد از اعلام وزارت خزانهداری امریکا مبنی بر ارسال پول نقد به اهداف بشردوستانه، جامعه جهانی به صورت هفته‌وار مبلغ ۴۰ میلیون دلار را برای کمک‌های بشردوستانه در یکی از بانک‌های خصوصی واریز نموده که این اقدام بسیاری از مشکلات را در افغانستان مرفوع ساخته است و مانع از فروپاشی سیستم مالی و بانکی در افغانستان شده است.

۳-۳. تأکید بر دیپلوماسی چندجانبه

چندجانبه‌گرایی به عنوان شیوه جدید قدرت بعد از تحولات جنگ جهانی دوم مورد توجه قرار گرفت. اتحادیه اروپا الگوی موفق برای کسب قدرت و توسعه همه‌جانبه با

الگو برداری از «چندجانبه‌گرایی» در جهان می‌باشد. رهبران آلمان و فرانسه بعد از جنگ دوم جهانی برای احیای مجدد نقش و جایگاه اروپا در تعاملات قدرت در روابط بین‌الملل بر فرایند «چندجانبه‌گرایی» تأکید نمودند. شومان وزیر خارجه وقت فرانسه در طرح معروف به «طرح شومان» گام نخست را در راستای چندجانبه‌گرایی در اروپا برداشت. لذا در فرایند شکل‌گیری اتحادیه اروپا، چندجانبه‌گرایی را باید رمز موفقیت و بازگشایی مرزهای کشورهای در فرایند توسعه دانست (Ulrich, 2020,6). چندجانبه‌گرایی به‌عنوان چارچوب جدید تحلیل و بررسی روابط بین‌الملل بعد از فروپاشی نظام دو قطبی از اهمیت بیشتر برخوردار شده و جهان شاهد شکل‌گیری بلوک‌های جدید قدرت می‌باشد. پیترایسون و لیروپ اکانومیدرس در کل برای چندجانبه‌گرایی مشخصات زیر را برشمردند:

۱- چندجانبه‌گرایی باعث شکل‌گیری نهادهای مختلف در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی و فرهنگی می‌گردد. به‌طور مثال در حوزه اقتصاد از صندوق بین‌المللی پول را می‌توان نام برد.

۲- چندجانبه‌گرایی باعث نفوذپذیری مرزهای ملی کشورها می‌گردد.

۳- چندجانبه‌گرایی باعث شکل‌گیری هویت‌های فراملی می‌گردد. مثل جریان سبز که در مناطق مختلف ظهور نموده است.

۴- چندجانبه‌گرایی باعث وابستگی متقابل کشورها می‌گردد. (spyros, 2001: 84-90).

بحث «چندجانبه‌گرایی» در راستای توسعه افغانستان، به‌طور جدی مورد توجه رهبران امارت اسلامی افغانستان قرار گرفته است. برای حکومت امارت اسلامی افغانستان چندجانبه‌گرایی می‌تواند باعث توسعه روابط و پیشرفت در کشور گردد. در این راستا

نشست‌های چندجانبه با حضور رهبران امارات اسلامی افغانستان در کشورهای منطقه و جهان برگزار شده است. هم‌چنین رهبران امارت اسلامی افغانستان به‌ویژه وزیر امور خارجه جلال‌تآب امیرخان متقی سفرهای متعددی به کشورهای منطقه و جهان داشته است و همواره رایزنی‌هایی به‌منظور حضور در نشست همسایگان افغانستان که به‌صورت دوره‌ای در یکی از کشورهای همسایه برگزار می‌شود را نیز داشته است. از جمله نشست‌هایی که در این راستا برگزار شده، می‌توان به نشست سازمان همکاری اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان، نشست‌هایی به میزبانی دوحه در قطر، به میزبانی ناروی در شهر اسلو، نشستی به میزبانی ترکیه در شهر آنتالیا و نشست تاشکند در کشور ازبکستان اشاره کرد.

سازمان همکاری اسلامی که به‌تاریخ ۱۷ دسامبر سال ۲۰۲۱ میلادی در شهر اسلام‌آباد هفدهمین نشست خود را برگزار نمود، هیأتی عالی‌رتبه از امارت اسلامی نیز اشتراک نمود. در این نشست رؤسای هیأت‌های اسلامی اشتراک‌کننده و نهادهای بین‌المللی از افغانستان برای رسانیدن کمک‌های بین‌المللی بشردوستانه اعلام حمایت نمودند. هم‌چنین در این نشست نمایندگی سازمان کنفرانس اسلامی در کابل بازگشایی شد (گزارش ریاست ملل متحد و کنفرانس‌های بین‌المللی، بیتا).

در نشست چندجانبه دیگری که به میزبانی دوحه در قطر با حضور نمایندگان امارت اسلامی افغانستان و نمایندگانی از شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه علمای مسلمان، سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی مقیم قطر برگزار شد، طرف‌های مذاکره‌کننده بر روی موضوعات زیر بحث نمودند:

۱- همکاری جامعه جهانی در زمینه کمک‌های بشردوستانه

۲- تهدید نشدن جهان از خاک افغانستان

۳- ضرورت تعامل افغانستان با جامعه جهانی

۴- تأکید بر بهبود ظرفیت های دینی، آموزشی، مسلکی و اقتصادی در افغانستان

۵- تأکید بر آزادسازی پول های منجمد شده افغانستان توسط ایالات متحده امریکا (گزارش ریاست دوم سیاسی، ۱۴۴۳/۱۱/۹).

دستاوردی که این نشست برای افغانستان داشت بر دو موضوع کمک های بشردوستانه که از سوی جامعه جهانی به افغانستان شده و تاکنون ادامه دارد و هم چنین تعامل جامعه جهانی به افغانستان بوده است. این تعامل باعث شده است که بسیاری از کشورها نمایندگان دیپلماتیک امارت اسلامی افغانستان را بپذیرند.

در نشستی که به میزبانی کشور ناروی در شهر اسلو به هدف ایجاد زمینه مفاهمه و مذاکره مستقیم نمایندگان امارت اسلامی و فعالان جامعه مدنی خارج از افغانستان، به تاریخ ۲۰ تا ۲۲ جمادی الاثانی ۱۴۴۳ ه.ق برگزار شد. در این نشست مذاکراتی بین نمایندگان امارت اسلامی و نمایندگان جامعه مدنی خارج از افغانستان و نمایندگان جامعه جهانی انجام شد و روی موضوعات مختلفی بحث شد که از آن جمله می توان به:

- ۱- تشکیل حکومت همه شمول
- ۲- امنیت و تهدیدات امنیتی از خاک افغانستان بر علیه امنیت بین المللی
- ۳- آزادسازی پول های منجمد شده افغانستان و تداوم کمک های بشردوستانه
- ۴- مشارکت عمومی به خصوص مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی
- ۵- بازگشایی مکاتب به روی دختران (گزارش ریاست ملل متحد و کنفرانس های بین المللی، بیتا).

در نشست چند جانبه دیگری که به میزبانی کشور ترکیه در شهر آنتالیا با حضور هیأت امارت اسلامی افغانستان و نمایندگان ایالات متحده امریکا، قطر، ترکیه، بحرین، ازبکستان و سازمان ملل به تاریخ ۷ تا ۱۰ شعبان ۱۴۴۳ ه.ق برگزار شده بود، روی موضوعات زیر

بحث صورت گرفت:

- ۱- آغاز پروژه‌های بزرگ مانند تاپی
 - ۲- حل مشکلات سیستم بانکی افغانستان و آزاد شدن پاسپورت‌های افغانستان که در کشور لیتوانی توقیف شده است
 - ۳- تمرکز بر موضوعات اقتصادی، اتصال منطقه ای، ترانزیت (گزارش ریاست دوم سیاسی، ۱۴۴۳/۱۱/۹).
- نشست آنتالیا یکی از نشست‌هایی است که بیشترین دستاورد را برای افغانستان داشته است. دستاورد این نشست برای افغانستان آغاز پروژه‌های اقتصادی مانند تاپی، انتقال پاسپورت‌های چاپ شده به افغانستان، توجه کشورهای منطقه به افغانستان به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی شده است.
- در نشست چندجانبه دیگری که به میزبانی کشور ازبکستان در شهر تاشکند با حضور هیأت امارت اسلامی افغانستان و نمایندگان اتحادیه اروپا، چین، ایالات متحده امریکا، روسیه، پاکستان، ایران، قطر، قزاقستان، عربستان، امارات متحده عربی، ترکمنستان، ترکیه، جاپان و اندونزیا برگزار شده بود روی موضوعات زیر بحث صورت گرفت:
- ۱- حقوق بشر و زنان
 - ۲- اجرایی شدن توافقات دوحه
 - ۳- حمایت‌های بین‌المللی برای حل مشکلات افغانستان
 - ۴- تعامل جامعه جهانی با امارت اسلامی افغانستان
 - ۵- ارتباط اقتصادی منطقه‌ای با محوریت افغانستان برای توسعه این کشور
 - ۶- تعامل با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و سازمان کنفرانس اسلامی (گزارش ریاست سوم سیاسی، ۱۴۴۳/۱۱/۱۳).

در راستای اجرایی شدن توافقات این نشست حمایت‌های بین‌المللی از افغانستان برای حل مشکلات ادامه دارد؛ امارت اسلامی افغانستان به رعایت حقوق بشر و زنان در چارچوب قوانین اسلامی و فرهنگ مردم افغانستان متعهد است، تعامل با جامعه جهانی برای توسعه افغانستان ادامه دارد.

با مروری بر نشست‌های فوق می‌توان بیان کرد که نشست‌های فوق که با محوریت افغانستان برگزار شده است، نمایندگان امارت اسلامی افغانستان حضور داشته و در هر نشست با نمایندگان کشورهای مختلف روی موضوعات مختلف درخصوص افغانستان بحث صورت گرفته است. این نشست‌ها از آن جایی که نمایندگان کشورهای مختلف حضور داشته است دیپلوماسی موفق چندجانبه امارت اسلامی افغانستان را نشان می‌دهد.

نتیجه

کشورها برای تعامل در جامعه بین‌المللی و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی خود راهبردی را متناسب با فضای عمومی جامعه و طبق منافع ملی خود انتخاب نموده و در راستای رسیدن به اهداف خود با دیگران ارتباط برقرار می‌کند.

در افغانستان در طول تاریخ حکومت‌های زیادی آمده‌اند و این حکومت‌ها با توجه به مقتضیات زمان یک استراتژی را در سیاست خارجی خود اتخاذ نموده‌اند. این استراتژی گاهی با موفقیت همراه بوده و گاهی به شکست انجامیده است. بیشتر حکومت‌ها در افغانستان تلاش کردند که در سیاست خارجی رویکردی بی‌طرف داشته باشند تا از افغانستان به‌عنوان میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی استفاده نکنند. اما در مقاطعی حکومت‌ها در افغانستان نتوانسته‌اند اصل بی‌طرفی را رعایت کنند و به ناچار و از روی وابستگی به‌خصوص وابستگی مالی به یکی از قدرت‌های بزرگ که ایالات متحده آمریکا و شوروی بوده است گراییده‌اند و در اختیار آن‌ها قرار گرفته‌اند و به

منافع ملی توجهی نداشته و برای پیدا کردن اهداف آن‌ها در منطقه تلاش ورزیدند و سرپیچی از اوامر این قدرت‌ها عواقب خطرناکی مانند کنار رفتن از قدرت بوده است. پس از خروج نیروهای خارجی که در رأس آن‌ها ایالات متحده امریکا از افغانستان، امارت اسلامی افغانستان زمام امور را به دست گرفت. امارت اسلامی افغانستان از همان ابتدا سیاست خارجی متوازن را به عنوان راهبردی در سیاست خارجی خود اعلام نمود و برگزید.

سیاست خارجی متوازی که توسط امارت اسلامی افغانستان اعلام شده است به مواردی اشاره دارد که به سیاست بی طرفی و انزواگرایی شباهت دارد اما در بعضی از موارد با این سیاست‌ها تفاوت دارد. اتخاذ این سیاست باعث شده است امارت اسلامی افغانستان با این‌که تاکنون باعث شناسایی حکومت از سوی کشورهای دیگر نشده است، اما دستاوردهای زیادی را در عرصه دیپلماتیک داشته باشند که برخی را آن‌ها در طول این پژوهش تشریح داده شد. دستاوردهایی نظیر کمک‌های بشردوستانه زیادی که از سوی جامعه جهانی به افغانستان سرازیر شده است، دیپلوماسی موفق دوجانبه که با وجود عدم شناسایی به تعامل دیپلماتیک با کشورهایی که با یک‌دیگر رقابت داشته‌اند مانند روسیه و ایالات متحده، ایران و عربستان، چین و هند و چین و پاکستان شده است و هم‌چنین افغانستان در دیپلوماسی چندجانبه توانسته است خواست‌های خود را به جامعه جهانی بقبولاند.

بنابراین اتخاذ سیاست خارجی متوازن برای افغانستان به منظور دستیابی به اهداف خود و هم‌چنین توسعه و پیشرفت کشور یک استراتژی مناسب می‌باشد و مانع از تبدیل شدن افغانستان به میدان رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی خواهد شد.

منابع

۱. آخندزاده، شیخ الحدیث هبت الله، (الف ۱۴۰۱)، د نیکمرغه لوی اختر د را رسیدو په مناسبت د عالیقدر امیر المؤمنین شیخ الحدیث مولوی هبت الله آخندزاده، د مبارکی پیغام
۲. آخندزاده، شیخ الحدیث هبت الله، (ب ۱۴۰۱)، پیام تبریکی عالیقدر امیر المؤمنین شیخ الحدیث مولوی هبت الله آخندزاده به مناسبت عید سعید فطر
۳. مشفق، زهرا (۱۳۹۹)، «بررسی عوامل تعیین کننده ماهیت رقابت هند و پاکستان»، امنیت اقتصادی، دوره هشتم، شماره نهم، صص ۳۹-۴۶.
۴. جاویدی، رقیه و بهروزی لک، غلام رضا، (۱۳۹۶)، «سناریوهای دهه آینده روابط ایران و عربستان»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره سی و دوم
۵. جعفری ولدانی، اصغر و جهانبخش، محمد تقی، (۱۳۹۶)، «رویگردهای رقابت جویانه عربستان سعودی در افغانستان»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره سوم
۶. روشن، امیر و فرجی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «روابط هند و چین»، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره دوم
۷. ستانکزی، شیرمحمدعباس، (۱۴۰۱)، مصاحبه با شیرمحمدعباس ستانکزی، معین سیاسی وزارت امور خارجه امارت اسلامی افغانستان، دستراتیژیکو مطالعات ژورنال
۸. شفیع، نوذر و قنبری، فرهاد، (۱۳۹۶)، «تیین روابط ایران عربستان در چارچوب مفهومی جنگ سرد»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره سی و یکم
۹. عطایی فرهاد و فاطمه تفتیان، (۱۳۹۳)، «قدرت یابی دوباره روسیه در نظام بین الملل و افزایش تنش در روابط امریکا و روسیه»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۲
۱۰. عسکری، حسن، (۱۳۸۳)، «رقابت و همکاری نظامی روسیه و امریکا در گرجستان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سیزدهم، دوره چهارم، شماره ۴۸

۱۱. کاظمی، مریم وریج، (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر بی ثباتی هند و پاکستان متأثر از رقابت هیدروپلیتیکی»، **فصلنامه پژوهش ملل**، دوره ششم، شماره ۶۲
۱۲. کرمی، جهانگیر (۱۳۹۰)، «معامله بزرگ در روابط امریکا و روسیه دوره مدودوف، اوپاما»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، دوره اول
۱۳. گزارش سفر و ملاقات مقامات امارت اسلامی با مقامات کشورهای ایران، ترکیه، شرق میانه و آفریقا، ریاست دوم سیاسی ۱۴۴۳/۱۱/۹
۱۴. گزارش سفر و ملاقات مقامات امارت اسلامی با مقامات کشورهای آسیای میانه، چین، روسیه، اوکراین و آذربایجان، ریاست سوم سیاسی ۱۴۴۳/۱۱/۱۳
۱۵. گزارش سفر و ملاقات مقامات امارت اسلامی با مقامات سازمان‌های بین‌المللی، ریاست ملل متحد و کنفرانس‌های بین‌المللی، بیتا
۱۶. مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه (۱۴۰۱)، **وزارت امور خارجه؛ فعالیت‌ها و دستاوردهای یکساله**، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه

وبسایت

- ۱- اندیشمند، محمداکرام، (۱۳۹۵)، «بازی ایران و عربستان در زمین افغانستان»، دسترسی در <https://jawedan.com/1395/10647/>: (۱۴۰۱/۹/۲۰)
- ۲- بینا، (۱۴۰۱/۹/۲۰)، «ملل متحد و نهاد همکار بشردوستانه...»، دسترسی در: <https://afghanistan.un.org/prs/150267-mll-mthd-w-nhadhay-hmkar-bshrdwstanh-paskh-dhy-njat-bkhsh-bh-bhran-dr-afghanstan-ra-afzaysh>
- ۳- بینا، (۱۴۰۱/۹/۱۵)، «وعده ۲،۴۴ میلیارد دالر کمک به افغانستان در نشست بین‌المللی»، دسترسی در: <https://www.dw.com/fa>
- ۴- بینا، (۱۴۰۱/۹/۲۰)، «یونیسف تمام معلمان مکاتب دولتی را برای دو ماه حمایت می‌کند»، دسترسی در:

<https://afghanistan.un.org/prs/172914-ywnysf-tmam-mlman-mkatb-dwlty-rabray-dw-mah-hmayt-mynmayd>

۵- محمودی، زهرا، (۱۴۰۱/۱۰/۲۲)، «بررسی تأثیر تنش‌های آمریکا و روسیه بر افغانستان»،

دسترسی در: <https://www.iess.ir/fa/report/1343>

۶- ویلد، آندریاس، (۱۴۰۱/۹/۲۴)، «گفتگو اختصاصی آوا دیپلوماتیک با آندریاس ویلد»،

دسترسی در: <https://avadiplomatic.com>

منابع انگلیسی

1- Rahmanov, Amangeldi(2022),« **Turkmenistan's Neutral Foreign Policy: Peace, Security and Sustainable Development**», Perception, Spring-Summer 2022, Volume xxvll,Number1. p.p 137-150.

2- William E. Odom and Robert Dujarric(2004), **Americans landvertent Empire**, London, Yale university press.

3- Nichols, Michelle (2022),(**U.S. advice to banks: OK to transfer aid money to Afghanistan**), Availbel: (29/12/2022),

<https://www.reuters.com/world/asia-pacific/us-advice-banks-ok-transfer-aid-money-afghanistan-2022-02-02/>

4- DeYoung, Karen(2021),(U.N. agency to pay salaries of Afghan health care workers to help stave off humanitarian crisis),available:20/11/2022):

https://www.washingtonpost.com/national-security/un-afghanistan-health-system-funding/2021/10/06/30702c72-2535-11ec-9de8-156fed3e81bf_story.html

5- Ulrich,Speek,(2020), Germany in search of New Golbal proteners, Berlin, Heurich Foundation.

6- Spyros, Economides and peterwilson(2001), The economic Factors in international relation, London, Tauris publisher